

سیر تحولی و تاریخی جهانی شدن

علی محمد حقیقی^۱

فریدون سعیدی ابواسحق^۲

چکیده

جهانی شدن یکی از مهمترین پدیده های دنیای معاصر است و با تعابیری مثل فشردگی، یکپارچگی، و همگون سازی جهان همراه است. در فرآیند جهان شدن مؤلفه های زیادی از زندگی با تحولی عمیق روبه رو شده است. برخی از این دگرگونی ها در عرصه های مختلف سیاسی و اقتصادی ظاهر شده، و برخی دیگر در حوزه های فرهنگی و اجتماعی رخ داده است. رشد سریع فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی شرایط نوینی در جهان ایجاد کرده که با تکیه بر آن میزان کنترل و هدایت جریان های مختلف سیاسی در کنار روابط تعاملی و بین المللی میان کشورها دستخوش تغییر شده است. زندگی در فضای جامعه نوین با در نظر گرفتن شرایط خاص و پیشرفت های علمی و فناورانه، چهره دیگری از جهان ارائه داده است و جهانی شدن در بسترهای زمانی و مکانی متفاوتی شکل گرفته است. با توجه به این موضوع یکی از رویکردهایی که می توان در پاسخگویی به مسئله چيستی مفهوم جهانی شدن پیش گرفت سیر تحول جهانی شدن در بستر زمان و در بستر اندیشه ها است. در این تحقیق سعی بر آن است تا مفهوم جهانی شدن را در گذر زمان و از نظر تاریخی و مکانی از نظر اندیشمندان مختلف جست و جو کرده و در نهایت به جمع بندی و استخراج رویکردهایی برای تبیین مفهوم جهانی شدن اقدام نمود و این تحقیق رویکردی جامعه شناسانه دارد. با توجه به محتوای مسئله، این پژوهش بر مباحث کیفی و نظری متمرکز است. در این پژوهش ساختار روش شناسی بر سه محور اساسی استوار است. روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی است. از این رو ابتدا یافته ها جمع آوری گردیده و پس از توصیف مطالعات نظری و عملی به تحلیل آن ها پرداخته می شود. روش گردآوری اطلاعات نیز، کتابخانه ای یا اسنادی است و تمامی اطلاعات و داده ها بر اساس مطالعات نظری گردآوری شده تا بر این اساس و با استناد بر آن بتوان به تبیین مسئله پرداخته و از سوی دیگر به قوام مبانی نظری پژوهش افزود و در نهایت نتیجه گیری و استنباط محکم تری حاصل آید.

کلمات کلیدی: مفهوم جهانی شدن، جهانی سازی، جهانی گرایی، نظام های بین الملل.

^۱ عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد لامرد

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی مسائل ایران، دانشگاه آزاد لامرد، saeidi1000@gmail.com

مقدمه

مفهوم «جهانی شدن»، از جمله مقوله هایی است که امروزه هم در فرهنگ نخبگان و هم در فرهنگ عامه به وفور به کار می رود، اما به جد با اختلاط و ابهام و حتی اغتشاش معنایی در وجوه و علل پیدایی روبه روست. این مفهوم، از یک سو جایگزین واژه های متفاوتی است که در علوم اجتماعی با تعاریف مشخص علمی روبه رو هستند، اما در زبان عمومی از مرزهای تشخیص خود دور می شوند و از سوی دیگر، رویکردهای مختلفی که در جهان سیاست و فرهنگ وجود دارند، بارهای معنایی خاصی را بر آن می افزایند (خانیک، ۱۳۹۲) و یکی از پدیده هایی است که جامعه بشری در حال حاضر با آن مواجه شده است، ابعاد و دامنه های این پدیده آن قدر وسیع و گسترده است که تمام شئون زندگی بشری را در عرصه های مختلف علمی، تکنولوژیکی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تحت تاثیر خود قرار داده است، تا جایی که برخی از صاحب نظران آن را به عنوان بزرگترین و مهم ترین رخداد تاریخ بشری یاد کرده اند (میرمحمدی، ۱۳۸۱).

«جهانی شدن» اصطلاح عامی است به مفهوم مجموعه تحولات اقتصادی، اجتماعی، فنی، فرهنگی و سیاسی که به عنوان عامل فزاینده وابستگی متقابل، همگون شدن و تعامل میان افراد و شرکتها در مکانهای مختلف در نظر گرفته می شود. پیدایش واژه «جهانی شدن» مربوط به ابتدای سال ۱۹۴۴ بوده است، اما از حدود سال ۱۹۸۱ این واژه توسط اقتصاددانان به کار برده شد. شهرت «تئودور لویت» عموماً به دلیل نوشتن مقاله ای برای «مجله تجارت هاروارد» در سال ۱۹۸۳ تحت عنوان «بازارهای جهانی» است. پدیده های جزئی دیگری نیز در مطالعه بافت اجتماع در مقیاس جهانی مشاهده شده است. اصطلاح «جهانی شدن» برای اشاره به این مجموعه تحولات به عنوان یک فرآیند و یا عاملی برای تحولات اساسی است اما جهانی شدن به عنوان ابزاری برای تجارت سبب بالا رفتن سطح زندگی و رفاه در کشورهای در حال توسعه و ثروت بیشتر برای کشورهای پیشرفته و جهان سوم می شود. این دیدگاه مدعی است که رفاه اجتماعی در گرو رفاه اقتصادی است و به عنوان ابزاری برای امپریالیسم جمعی که موجب پایمال شدن حقوق بشر در کشورهای در حال توسعه می شود، گفته می شود با وجود برخی غارتها و سودجوییها این پدیده رفاه را به همراه می آورد. اما نتایج منفی شامل یکپارچگی فرهنگی از طریق تهاجم فرهنگی، صادرات نیازهای کاذب و براندازی و سرکوب اصالت های در سطح منطقه ای و جهان، اقوام بومی و فرهنگها دارد (سالارمنش، ۱۳۸۶). در این تحقیق سعی بر آن است تا مفهوم جهانی شدن را در گذر زمان و از نظر تاریخی و مکانی از نظر اندیشمندان مختلف بررسی شود و رویکردهایی برای تبیین مفهوم جهانی شدن استخراج گردد.

۲- تعریف مفاهیم

برای تعریف دقیق تر مفهوم جهانی شدن ضروری است که چهار تعریف رایج از همدیگر تفکیک شوند.

۱-۲- جهانیّت

جهانیت ناظر به مقوله ای است که با آغاز حیات بشری معنا یافته است. این مقوله در درجه اول «واقعیتی» است مرتبط با اشباع کمی جهان و افزایش ارتباط و بستگی آحاد و اجزای تشکیل دهنده آن به هم؛ و درعین حال، بدون شکل گیری «ذهنیتی» راجع به اوضاع جدید و رسوخ آن در باور بخش قابل توجهی از مردم، به تحقق عینی خویش نمی رسد. جهانیت هم به حسب جمع شدن تدریجی شرایط تحقق و هم به لحاظ معطوف ساختن توجهات عمومی به سوی خویش، یک مفهوم متأخر و جدید به حساب می آید که تاکنون با عبارت های مختلفی چون «کوچک شدن» جهان، ظهور «دهکده جهانی»، «سرزمین زدایی»، «پایان جغرافیا»، «پایان عصر وستفالی» و «ظهور زیست بوم جهانی» معرفی شده و مشخصاتی نیز برای بازشناسی آن ذکر شده است. کوچک شدن جهان که در یک فرایند تدریجی و طولانی به هم پیوسته همواره تابعی بوده است از افزایش توانایی های بشر در تسخیر و غلبه بر طبیعت. این فرایند با اولین گام های بشر، بشر پراکنده در اقلیم های مختلف و اجتماع های دور از هم در مسیر غلبه بر مقاومت های طبیعی محیط زیست و دشواری های حیات اجتماعی آغاز شده و با هر گام، یک مرحله به کوچک تر ساختن جهان کمک کرده است. کوچک شدن تدریجی جهان به جهانی شدن تدریجی مسائل نیز انجامیده است چرا که افزایش جمعیت جهانی و افزوده شدن تعامل ها موجب پدید آمدن مسائل مشترک و درک مشترکی از مسائل و گره خوردن سرنوشت انسان های معاصر به یکدیگر شده است. به بیان دیگر از حجم و اهمیت مسائل شخصی، محلی و ملی به نفع مسائل جمعی، منطقه ای و جهانی کاسته است. کوچک شدن جهان، انسان معاصر را درگیر مسائل مشترکی ساخته است که تا پیش از این تصویری از آن نداشت. بروز همین مسائل مشترک، به نوبه خود درک به طور تقریبی، مشترکی از مسئله، فهرست و اولویت بندی مسائل پدید آورده و به جهانی شدن چشم اندازها، دغدغه ها و انتظاراتی بشر از خویش و از دیگران کمک کرده است (خانیک، ۱۳۹۲)

۲-۲- جهانی شدن

واژه جهانی شدن یا Globalizaion از اسم Globe مشتق شده است، فرهنگ جامع بریتانیکا در تعریف Globe می نویسد یک فضا یا کره ای که شامل نقشه زمین بر روی آن شود. مالکوم واترز در تحقیقی که از موضوع فوق داشته نتیجه گرفته که این واژه در معنی وصفی خود یعنی جهانی Global بیش از چهار صد سال قدمت دارد اما سایر مشتقات آن هم چون Globalization تنها از حدود سال ۱۹۶۰ رواج عمومی پیدا کرد (واترز، ۱۳۷۹: ۱۰). اصطلاح جهانی شدن به معنی فروریختن مرزها و فراتر رفتن از آن در سطح جهانی در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی...

که فرآیند آن دگرگون شدن ساختارهای محلی به جهانی است. فرایند جهانی شدن، ابعاد و دامنه آن آنقدر وسیع و گسترده است که تمام شئون زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است، تا جایی که برخی از صاحب نظران آن را به عنوان بزرگترین رخداد تاریخ بشری یاد کرده اند. به طوریکه چند دهه گذشته در پرتو توسعه انقلاب ارتباطات الکترونیکی، مفهوم فاصله و فضا به گونه ای غیرقابل تصور در هم ریخته است. جهانی شدن به شکل امروزی آن از زمان فروپاشی کمونیسم و نظام دوقطبی و پایان جنگ سرد عینیت یافته است. در واقع جهانی شدن به فرآیندی اطلاق می شود که طی آن جریان آزاد اندیشه، انسان، کالا، خدمات، و سرمایه در دنیا میسر و محقق گردد (فرهادی محلی، ۱۳۹۰).

جهانی شدن عنوان عامی است برای آن بخش از ادبیات نظری که تلاش دارد به نحوی بی طرفانه به تبیین علل و عوامل پدیدآورنده، تحلیل فرایند و پیش بینی مسیر، جهت و غایت مقوله جهانیّت در گذشته و حال و آینده بپردازد. این اصطلاح گاه برای توصیف ویژگیهای فرایندی و فرا ارادی این پدیده نیز به کار می رود. مفهوم «جهانی شدن» امروز حکم انگاره جدیدی را یافته است که بیشتر برای پرکردن خلاء های توصیفی و تبیینی پس از افول پارادایم های دوقطبی بر جهان، مطرح است. فروپاشی شوروی، انگاره دوقطبی و رهیافت های همساز حاکم بر طول دوران جنگ سرد را که پیش از آن با نقد و نقض های فراوانی روبه رو بود، به یکباره از میدان به در کرد؛ بی آنکه در یک روند تدریجی، امکان ظهور و پذیرش انگاره های بدیل فراهم آمده باشد. تحت تأثیر چنین عواملی، تعریف های عرضه شده از جهانی شدن تنوع چشمگیری یافته اند که «فشردگی جهان»، وابسته تر شدن بخش های مختلف جهان، افزایش وابستگی و درهم تنیدگی جهانی»، پهناورتر شدن گستره تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کنشهای اجتماعی، کاهش هزینه های تحمیل شده توسط فضا و زمان از جمله آنهاست. (گلمحمدی، ۱۳۸۱)

۳- تاریخچه

از آنجایی که اصطلاح جهانی شدن هر دو جنبه فن آوری و سیاست را در بر می گیرد، جنبه های مختلف تاریخچه های مختلفی را نیز خواهند داشت. در زمینه اقتصاد و اقتصاد سیاسی معمولاً از جهانی شدن به عنوان «رونق تقسیم بندی کار در عرصه جهانی» یاد می شود. همچنین جهانی شدن می تواند به حجم رو به افزایش تجارت میان کشورها - به وسیله موسسات ثابت که به شرکتها در کشورهای مختلف این اجازه را می دهند که با حداقل مشکلات به مبادله کالا و خدمات بپردازند - اشاره کند. اصطلاح «آزادخواهی اقتصادی» (liberalization) به معنی پذیرش طرح اقتصاد کلاسیک جدید بر اساس گردش کالا و خدمات بدون مانع در میان افراد دارای صلاحیت است. این مساله منجر به تخصصی شدن صادرات در کشورها و فشار بر پایان حمایت از عوارض گمرکی و دیگر موانع تجارت می شود. دوره «سیستم واحد پولی طلا» و آزادخواهی اقتصادی در قرن نوزدهم اغلب «دوره اول جهانی شدن» در نظر گرفته می شود. این دوره همگام با رشد صنعتی شدن و مبادله کالا به وسیله پول رایج

یعنی سکه شروع شد. بنیانگذار نظریه دیوید ریکاردو بود که بر روی مزایای نسبی و قانون سز که مربوط به توازن عمومی است کار می‌کرد (بنا به قانون سز عرضه کل کالاهای اقتصادی همیشه و احتمالا مساوی با تقاضای کل است.) به تعبیری بحث بر سر این بود که کشورها می‌بایست به نحوی کارآمد به تجارت بپردازند تا هر گونه ایجاد شکاف موقت میان عرضه و تقاضا به طور خود به خود اصلاح شود. نظام واحد پولی طلا تقریباً بین سال‌های ۱۸۵۰ تا ۱۸۸۰ در بیشتر کشورهای صنعتی پا به عرصه گذاشت. اگرچه هنوز بحث بر سر این است که آیا واقعا نظام اقتصادی آن‌ها بر این اساس بوده است یا نه. «دوره اول جهانی شدن» با شروع جنگ جهانی اول ناکارآمد شد و سپس با بحران نظام پولی طلا در اواخر ۱۹۲۰ تا اوایل ۱۹۳۰ افول کرد. کشورهایی که شامل این دوره شدند مثل اروپای مرکزی که کشورهای حاشیه‌ای اروپا و مستعمرات اروپا در آمریکا و اقیانوسیه همگی پیشرفت کردند. نابرابری میان دولت‌ها از میان رفت و جریان ورود کالا و کارگر به طور چشمگیری در میان این کشورها آزاد شد. از جنگ جهانی دوم جریان جهانی شدن توسط «دور مذاکرات تجاری» تحت حمایت GATT هدایت شده است. این امر منجر به وضع مجموعه‌ای از توافق‌نامه‌ها شده که موانع تجارت آزاد از سر راه را برمی‌دارد. مذاکرات اروگوئه (۱۹۸۴-۱۹۹۵) سبب ایجاد پیمانی برای تاسیس سازمان تجارت جهانی (WTO) به عنوان واسطه‌ای برای منازعات تجاری شد. (سالارمنش، ۱۳۸۶)

واژه جهانی شدن از دیدگاه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است؛ این واژه برای نخستین بار برای طرح تحولات اقتصادی به کار گرفته شد پس از آن و بر سیاق مباحث اقتصادی؛ در موضوعات دیگری که دامن گیر ملل متعددی بود مثل مواد مخدر و تروریسم به کار رفت (تهرانیان، ۱۳۸۰: ۲۶). به دنبال تحولات عظیمی که در عرصه فناوری و تکنولوژی رخ داد؛ جریانی ایجاد شد که پیدایش بازار جهانی نخستین پیامد آن بود. در سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰ میلادی تحت تاثیر انقلاب ارتباطات و تقسیم کار جهانی، دامنه جهانی شدن به کلیه عرصه‌ها و حوزه‌های فرهنگی، سیاسی اجتماعی و دیگر شئون زندگی ملل سرایت نمود و تمام این حوزه‌ها را متأثر از خود ساخت (توسلی، ۱۳۸۱).

درخصوص تاریخچه پیدایش جهانی شدن نیز همچون تعریف آن میان صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد برخی آن را پدیده‌ای قدیمی می‌دانند که ریشه در نظام سرمایه داری دارد و برخی دیگر نیز آن را پدیده‌ای جدید و محصول مدرنیته به شمار می‌آورند:

گروه نخست عقیده دارند که در بررسی تاریخچه جهانی شدن باید دریافت که این پدیده از کجا چه هنگام رخ نموده است، نظام اقتصادی بازار آزاد قدیمی ترین گونه اقتصاد در جامعه بشری است. گرچه سوسالیسم تاثیراتی در نظام اقتصادی جهان بر جای گذاشته و سرمایه داری را به چالش کشانده است. اما فروپاشی بلوک شرق آمریکاییان توفیق یافتند تا به نتیجه بسیار مهم یعنی خلاء نظام فکری سیاسی و خلاء قدرت در جهان دست یابند کارگزاران آمریکایی در برخورد با خلاء نظام فکری و سیاسی چنین وانمود کردند که اصل و ریشه سرمایه داری ماندگار و پیروز خواهد شد آنان با استناد به فروپاشی

شوروی آن را نشانه حقانیت نظام سرمایه داری دانسته و از این طریق تمایل واشتقاق تازه ای را برای جهانی شدن برانگیختند. به شکلی که جهانی شدن از آغاز دهه ۱۹۹۰ تحرک و دامنه گسترده تری پیدا کرد به علاوه خلاء قدرت سیاسی به آمریکا فرصت داد تا این گونه القا کند که نظام دو قطبی جهانی شکست خورده و خلاء بر جهان سایه انداخته است و باید این خلاء را با نظام تک قطبی پر نمود از آن زمان به بعد بود که موضوع ایجاد ساختار جدید سیاسی در جهان در درون آن ساختار آمریکا به عنوان تنها ابر قدرت در راس آن جای می گرفت مطرح و بدین ترتیب مقوله جهانی شدن وارد عرصه سیاسی گردید و در نتیجه جهان با دو موضوع مواجه شد: یکی حرکت ژئوپولوتیکی برای تغییر در ساختار سیاسی جهان و ایجاد نظام جدید تک قطبی و دوم گسترش دامنه اقتصاد آزاد که عملاً به تقویت تغییر نخست کمک زیادی کرد (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۳۳۹).

به نظر این گروه جهانی شدن موضوعی قدیمی و کهن است که ریشه در پیدایش نظام جدید سرمایه داری در قرن شانزدهم میلادی دارد که امروزه به اوج خود رسیده و ابعاد، آثار و نتایج تازه ای را به بار آورد و وارد حوزه های فناوری ارتباطات فرهنگ و سیاست گردیده است. والرشترین و رابرتسون و معتقدین به تئوری نظام جهانی نیز از دیگر پیروان نظریه قدیم بودند. مطابق این دیدگاه در پایان جنگ جهانی به منظور ثبات در اقتصاد جهانی و کنترل اوضاع پس از جنگ در ارکان مالی یعنی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی که در واقع نخستین طراحان جهانی شدن به مفهوم اخیر بودند تاسیس شدند. نقطه مقابل این نظریه دیدگاهی است که جهانی شدن را مقوله ای جدید و متاخر می داند که از درون مدرنیته زاده شده است. گیدنز، اسکلیر اولریش بک و جوزوف نای در زمره طرفداران این نظریه محسوب می شوند (البرو، ۱۳۸۱).

۴- جهانی شدن و تحول نوین جهانی

لکنر آغاز جهانی شدن را از قرن هفدهم میلادی می داند (لکنر، ۲۰۰۸) که با تحول مهمی در عرصه جهانی همراه بوده است و رابرتسون (۱۹۹۲) بیان می کند که جهانی شدن سبب فشردگی جهان و افزایش آگاهی جهانی به صورت کلی می شود. البته تعاریف متعددی از جهانی شدن ارائه شده و در بیشتر آن ها مفاهیم مبتنی بر سازه های مهمی چون همنوایی و یکپارچگی در سیاست ها، فعالیت ها و برون دادها به چشم می خورد. در دوران معاصر، پیشرفت های صنعتی و تولید کالاهای متعددی که با تکیه بر فناوری های پیشرفته به انجام می رسد، در سطح وسیعی از کشورهای غربی رواج پیدا کرده است. در واقع جهانی شدن با مفهوم همبستگی در ساختارهای اصلی تشکیل دهنده جهان نوین همراه است که با افزایش بخش های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دیگر جنبه های زندگی اجتماعی پیوند دارد. در واقع تحول نوینی که در سطح جهان به انجام رسیده با فرهنگ غربی رابطه ای مستقیم برقرار ساخته و ابعاد و ویژگی های زندگی معاصر را تحت تأثیر قرار داده است. آشنایی با ریشه و ساختار این تحول فراگیر می تواند به درک فضای زندگی انسان جدید یاری رساند و او را با شرایطی

متفاوت مواجه سازد. بر این اساس تلاش برای تبیین وضعیت جهانی شدن در دنیای نوین و معرفی ویژگی های این پدیده گسترده می تواند به شناخت بهتر و مناسب تر از آن منجر شود. (درودی، ۱۳۸۸)

۴-۱- سیر تحولی و تاریخی جهانی شدن

واژه جهانی سازی گرچه پیش از قرن بیستم وضع گردید و بارها هم به کار گرفته شد، اما به عنوان یک واژه علمی تا اوایل یا حتی اواسط دهه ۱۹۸۰ در محافل دانشگاهی چندان به رسمیت شناخته نمی شود و تنها در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ بود که اعتبار علمی پیدا کرد به طوری که امروز به گفته رابرتسون در ردیابی نحوه انتشار آن در سراسر جهان ناممکن است و دیگر گریز یا عقب نشینی هم از آن مقصور نیست (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۹).

از معنا و ساختار واژه جهانی شدن که بگذریم دیدگاه های مختلفی درباره جهانی شدن وجود دارد که هر یک بر وجهی متمرکز شده اند، برخی تغییرات اساسی در سامان دهی سرمایه داری جهان در عرصه های تولید، توزیع تجارت، امور مالی و تکنولوژی را که موجب گذر از سرمایه داری سازمان یافته به سرمایه داری بودن سازمان مقیاس جهانی شده است، ویژگی اصلی جهانی سازی می دانند و برخی دیگر آن را فرآیندی که در حال ساخته فضای جدید اجتماعی است تعریف می کنند. تعریف های دیگری درباره جهانی شدن وجود دارد که از جامعیت بیشتری برخوردار است اینجا جهانی سازی را مفهومی می شناسد که از ((به هم فشردگی)) جهان در ابعاد زمان و مکان و کوچکتر کردن آن حکایت می کند. این پدیده به معنای فرایندهایی است که به شکل گرفتن فضای جهانی واحد کمک می کند و پیشرفت فن آوری ارتباطات، زمینه ساز این پدیده بوده است (نوزانی: ۶)

جاده ابریشم سرآغاز حرکتی در جهانی شدن بود که از یک مکانیزم مبادلاتی تجاری مبتنی بر مواد خام شروع و به مکانیزم پیچیده از سوی سه نیروی پژوهش، تولید و تجارت انجامید. در حقیقت جهانی شدن متأثر از زایش تقاضا بوده است و از انقلاب صنعتی به بعد بود که اولین بار تولید صنعتی، تولید دستی را چالش آمیز کرد و با نشان دادن قدرت بهینه سازی قوی در خود توانست هزینه های تولیدی را کاهش و با سرعت اندکی کیفی را پدید آورد (تقوی، ۱۳۸۰).

از آن جایی که جهانی شدن هر دو جنبه فن آوری سیاست را در بر می گیرد جنبه های مختلف، تاریخ های مختلفی را نیز خواهد داشت. در زمینه اقتصاد سیاستی معمولاً از جهانی شدن به عنوان ((رونق تقسیم بندی کار در عرصه جهانی یاد می شود)) همچنین جهانی شدن میتواند به حجم رو به افزایش تجارت میان کشورها به وسیله موسسات ثابت که به شرکتها در کشور های مختلف این اجازه را میدهد که با حداقل مشکلات به مبادله کالا و خدمات بپردازند.

دوره سیستم واحد پولی طلا و آزادی خواهی اقتصادی در قرن نوزدهم اغلب در دوره جهانی شدن اول در نظر گرفته میشود. این دوره همگام با رشد صنعتی شدن و مبادله کالابه وسیله پول رایج یعنی سکه

شروع شد. بنیانگذار این نظریه دیوید ریکاردو بود که بر روی مزایای نسبی و قانون توازن عمومی تاکید داشت. نظام پولی تقریباً بین سالهای ۱۸۵۰ تا ۱۸۸۰ در بیشتر کشورهای صنعتی پا به عرصه گذاشتگرچه هنوز بحث بر سر این است که آیا نظام اقتصادی آنها بر همین اساس بوده یا نه؟ دوره اول جهانی شدن با شروع جنگ جهانی اول نا کارآمد شد و سپس با بحران نظام پولی در اواخر ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ افول کرد. نابرابری میان دولت ها از میان رفت و جریان ورود کالا به طور چشمگیری در میان کشورهای آزاد شد.

از جنگ جهانی دوم جریان جهانی شدن توسط دو دور مذاکرات تجاری تحت حمایت GATT هدایت شده است. این امر منجر به وضع مجموعه ای از توافق نامه ها شده که موانع تجارت آزاد را از سر راه بردارد.

مذاکرات اروگوئه (۱۹۸۴-۱۹۹۵) سبب ایجاد پیمانی برای تجارت جهانی (WTO) به عنوان واسطه منازعات تجاری شد.

۴-۲- رویکردهای نظری

جهانی که اکنون در آن به سر می بریم، در همه تعاریف و رویکردهای خوش بینانه، یا بدبینانه؛ جهانی است دستخوش تغییرات پرشتاب و پردامنه که شتابندگی تاریخ وجه غالب آن است. برای مرگ جهانی شدن، سوگنامه های زیادی سروده شده است (هلدومک گرو، ۱۳۸۷: ۱۱) اما از تولد اندیشه هایی نیز به وفور سخن می رود که پویایی های جهانی شدن را در محیط های اجتماعی مرکب از عناصر ملی و فراملی می دانند (ساسن، ۱۳۸۹: ۱۲) در واقع، چه جهانی شدن را در فرود بدانیم و چه در فراز، با شتاب می رود و فاصله هایی را کم می کند. در مورد علل این تغییرات اختلاف نظر وجود دارد، اما غالب صاحب نظران قایل به این هستند که دورانی را که ما با آن روبه رو شده ایم می توان دوران «کاهش فاصله ها» و «فشرده گی زمان، مکان و فضا» دانست. حاصل این رویارویی، تحول فهم و تجربه انسان در باب زمان و مکان است. صورت های ابتدایی مسئله تغییر تجربه مکان و زمان، در طول قرون ۱۹ و ۲۰ مطرح بوده است و برخی از متفکران، وجود وسایل نقلیه تندرو مانند هواپیما و قطار و نیز وسایل ارتباطی دارای سرعت زیاد مانند تلفن و تلگراف، که امکان عمل متقابل انسان ها در عرض تقسیمات جغرافیایی و سیاسی را افزایش می داد، مورد توجه و تفسیر قرار داده اند. از اوایل قرن بیستم مسئله «فشرده گی مکانی» در میان متفکران امریکایی مورد، وجود «قانون سرعت» مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۹۰۴ «هنری آدامز» پیشرفت اجتماعی ضروری دانسته و گفت که برای درک جامعه جدید، باید برای سرعت روندهای اساسی فناورانه و اجتماعی که در ظاهر غیرقابل توقف است، جابگاهی محوری در نظر گرفته شود (مصطفوی، ۱۳۸۲: ۱۴).

۴-۲-۱- رابرتسون و نظریه اجتماعی یکپارچگی فرهنگی

رونالد رابرتسون که در اواسط دهه ۱۹۸۰ در مطالعه علمی و جهان شناسی جهانی شدن نقش عمده ای ایفا کرد پس از ذکر سه شکاف عمده مذهبی، قانونی، دیپلماتیک و صنعتی یک مسیر ۵ مرحله ای را برای جهانی شدن در نظر گرفته است:

(۱) مرحله بدوی یا اولیه (اروپای ۱۴۰۰-۱۷۵۰): که موجب تجزیه کلیسا؛ ظهور جوامع دولت مدار، اکتشافات جهانی و استعمار شده است.

(۲) مرحله نخستین (اروپای ۱۷۵۰-۱۸۷۵): که موجب پیدایش دولت های ملی، پیمان های حقوقی بین المللی، نخستین ملت های غیر اروپایی و نخستین عقیده ها در خصوص بین المللی گرایی و جهان گرایی شده است.

(۳) مرحله جهش (۱۸۷۵-۱۹۲۵): که موجب تغییر مفهومی جهان در غالب ۴ عامل جهانی؛ دولت ملی، فرد، جامعه و واحد بین المللی و بشریت واحد بروز پیدا کرد.

(۴) مرحله تلاش برای کسب سلطه (۱۹۲۵-۱۹۶۹): که موجب پیدایش جامعه بین الملل و سازمان ملل متحد، جنگ جهانی دوم تهدید جهان و جهان سوم گردید.

(۵) مرحله عدم قطعیت (۱۹۶۹-۱۹۹۲): که موجب کشف، کشف فضا، گفتمان حقوقی، جوامع جهانی، قومیت، نژاد، پیچیده شدن روابط بین الملل، شناخت مسائل زیست محیطی جهانی و رسانه های گروهی از طریق دست یابی به تکنولوژی فضایی شده است (نوزانی، ۱۹: ۱۳۸۲-۱۸).

لازم به ذکر است رابرتسون اطلاع قابل توجهی از جوامع باستانی و حکومت های آن ها ندارد و همچون یک روشنفکر غربی سقوط حاکمیت کلیسا را با پیدایش یک جهان نو مصادف دانسته و مبداء و منشا همه تحولات تاریخ را در اروپای غربی معرفی کرده است (همان، ۱۹)

رابرتسون، مسئله «یکپارچگی فرهنگی» را پیدایش وضعیت اجتماعی و پدیدارشناختی پیچیده ای می داند که در آن، سطوح مختلف زندگی انسان ها با یکدیگر در ارتباط قرار گرفته اند و تعامل برقرار می کنند. نتیجه آن که، انسان ها در جریان این تعامل مجبور هستند یکدیگر را به حساب آورند و لاجرم فرهنگ ها نیز در یکدیگر تأثیر می گذارند، بدین ترتیب، جهان به سوی نوعی یکپارچگی زیربنایی پیش می رود. روشن است که هویت های ملی، در مواجهه با جهانی شدن در معرض چالش های جدی قرار دارند، اگرچه خود نیز در یک فرایند پیچیده، در ساختن یک فرهنگ جهانی یکپارچه مؤثر هستند. به مخاطره افتادن هویت های فردی و جمعی، محل امن زندگی انسان را نیز با تهدیدهای جدی مواجه می کند و انسان امروز را با این پرسش روبه رو می کند که آیا می توان در فضای بی مرز کنونی جهان، از خانه به عنوان محل آرامش یاد کرد؟ در شرایط متأثر از چنین وضعی است که انسان عصر جهانی، با احساس بی خانمانی، غربت و ملال، بیش از هر زمانی آرزوی بازگشت به مکان آشنا در گذشته را دارد. به گفته رابرتسون، اکنون در مرحله جهانی شدن شتابان و نوستالژی

آفرین به سر می‌بریم. در این مرحله، جهانی شدن گرایش‌های نوستالژیک را به شیوه‌های گوناگونی شتاب می‌بخشد. خود سیالیت تحولات جهانی... نوستالژی را به مثابه آرزوی کالبد امنی برای نظم جهانی و به همین صورت نوعی نوستالژی فرافکنانه برای جهان به عنوان خانه برانگیخته است. (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۲۷)

مهم‌ترین وجه نظریه اجتماعی رابرتسون در رویکرد او به جهانی شدن، افزایش قابل ملاحظه‌ای است که در پیچیدگی و فشردگی جهان از جمله «محل» نهفته است. بروز و ظهور پدیده‌هایی مثل «آموزش و پرورش بین‌المللی» و شکل‌گیری مجامع فراملی دانشمندان و دانشگاهیان از طریق گسترش ارتباطات فراملی محصول این همگرایی فرهنگی جهانی است (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۸۳ و ۳۸۵)

۴-۲-۲- تاملینسون و ایده همجواری فرهنگی

جان تاملینسون از جمله نظریه پردازان حوزه فرهنگ است، عناصر اصلی جهانی شدن را در زمینه‌ای می‌بیند که خود نام «سیاق فرهنگی» بر آن نهاده است. به نظر او «جهانی شدن شبکه‌ای به سرعت گسترش یابنده و همیشه متراکم شونده از پیوندهای متقابل و وابستگی‌های متقابل است که وجه مشخصه زندگی اجتماعی مدرن به شمار می‌رود. استعاره‌هایی مانند استعاره «دهکده جهانی» مارشال مک لوهان، یا اصطلاح «همسایگی جهانی» که به تازگی سازمان ملل متحد برای توصیف یک بافت جهانی سیاسی نوظهور وضع کرده است، نمایانگر نزدیکی فزاینده جهانیان به یکدیگر و نوعی «همجواری» است. (تاملینسون، ۱۳۸۰) ایده همجواری ما را به «فراسوی وضعیت تجربی ارتباط» می‌برد. همجواری به ما کمک می‌کند که علی‌رغم وجود فاصله فیزیکی انکارناپذیر بین انسان‌ها، ارتباط با دیگران را تجربه کنیم. چه به گونه‌ای تصویری و از طریق رسانه‌های جمعی و چه به طور فیزیکی و با در نوردیدن فاصله زیاد در زمانی اندک به وسیله هواپیما. ولی به نظر تاملینسون یکی از معیارهای تحقق جهانی شدن این است که غلبه بر فاصله فیزیکی، که به وسیله سفرهای هوایی ممکن شده است، تا چه اندازه با غلبه بر فاصله فرهنگی هماهنگ است. این موضوع، وجه مشخصه نظریه تاملینسون است. بر همین اساس، وی از کسانی که بر توضیح جهانی شدن به شیوه‌ای تک بعدی اصرار می‌ورزند انتقاد می‌کند. تاملینسون بر این نظر نیز اصرار دارد، و معتقد است، همانطور که فرهنگ برای جهانی شدن اهمیت دارد، جهانی شدن نیز بر فرهنگ به نحو فزاینده‌ای تأثیر می‌گذارد. کلید درک این تأثیرها، دگرگونی محل است که به دلیل حد و مرز زدایی و در نتیجه، سست شدن پیوند فرهنگ با مکان، حاصل می‌شود. او کاهش فاصله و وابستگی متقابل پیچیده فرایند جهانی را موجب پیدایش پدیده‌ای می‌داند که نوعی «همجواری اجباری» است. در واقع، همجواری می‌تواند بدین معنا باشد که نابرابری‌های جهانی مرئی‌تر می‌شوند، خطرها و تهدیدهای همگانی و جهانی و آشکارتر از همه خطرهایی که محیط زیست مشترک ما را تهدید می‌کنند برجسته‌تر می‌شوند

و برنامه ای مبتنی بر مسئولیت جهانی و منافع مشترک (برای اداره جهان) به وجود می آید. (تاملینسون، ۱۳۸۰: ۲۳۴)

از نظر تاملینسون درک این موضوع احساس تعلق به یک همسایگی جهانی را به وجود می آورد، به عبارتی دیگر «شهروند جهانی» یا شهروندان «جهان وطن» شکل می گیرند. براین اساس، او ایده جهان وطنی را یک «مشرَب فرهنگی» می داند که به علایق محلیت بی واسطه محدود نمی شود، بلکه تعلق، دخالت و مسئولیت جهانی را به رسمیت می شناسد و می تواند این علایق گسترده تر را در راه و رسم های زندگی روزمره ادغام کند و همین نوع مشرب است که پیش شرط مشارکت شیوه زندگی کارآمد در اداره جهان است. «شهروند جهانی» نخست باید بتواند این موضوع را که به جهانی بزرگ تعلق دارد به خوبی درک کند و به امکان های مشترک و مسئولیت های متقابل انسان ها اعتقاد داشته باشد. چنین انسانی باید بتواند «کثرت مشروع فرهنگ ها» را بپذیرد و در مواجهه با فرهنگ های دیگر وارد گفت و گویی خلاق بشود. «جهان وطن» از نظر تاملینسون کسی است که بتواند چه از نظر اخلاقی و چه از نظر فرهنگی، در آن واحد هم در سطح جهانی و هم در سطح محلی زندگی کند (خانیک، ۱۳۹۲)

۴-۲-۳- حسین غریب و رویکردهای ۴ گانه جهانی شدن

حسین غریب هم در مقاله ((جهانی شدن)) خود انواع رویکردها را در ۴ مورد طبقه بندی کرده است: (۱) رویکرد محافظه کارانه که معتقد است جهانی شدن پدیده ای است قدیمی که در سیمایی تازه وارد صحنه بین المللی شده است.

(۲) رویکرد لیبرالی که معتقد است عنصر دولت ملی، قدرتی حیاتی در جهان است گرچه در نتیجه جهانی شدن حاکمیت ملی کشورها محدود شده ولی همچنان در عرصه بین المللی تاثیر گذار است. (۳) رویکرد رادیکال شامل مارکسیست ها و رادیکال های مذهبی که جهانی شدن را یک پروژه از پیش تعیین شده از سوی آمریکا و متحدانش و مترادف با آمریکایی شدن جهان، امپریالیسم، استعمار، استعمار نو، ... می داند و باید با آن مقابله نمود.

(۴) رویکرد جهان گرایان افراطی که می گوید عصر دولت ملی در برابر بازار و سازوکارهای آن به پایان رسیده است و سیستم دولت شهری در سال های آینده با ۲۰۰ یا ۳۰۰ شهر بزرگ مثل هنگ کنگ جانشین دولت ملی می شود و شهرها مستقیماً وارد اقتصاد الکترونیکی جهانی خواهند شد. (قریب، ۱۳۸۰: ۶۱-۶۰).

قدمت جهانی شدن را باید در طول تاریخ، دست کم و قدمت پیدایش دین های جهانی را در هزاران سال پیش جستجو کرده؛ ظهور ادیان بزرگی هم چون یهودی، مسیحی، و اسلام، پیدایش امپراطوری هایی چون پارس، یونان و روم باستان نتیجه یکپارچه سازی سرزمین ها و واحد هایی بود که قبلاً از هم جدا بودند. به عنوان مثال آلبر ماله در تشریح وضعیت آن دوران می نویسد: مردم پارس به دولت

های لیدی و بابل و مصر حمله برده و آن‌ها را یکایک مغلوب نموده و صاحب اختیار تمام عالم قدیم شدند (هرودت، ۱۳۶۸: ۲۲۷-۲۲۲).

به نظر اینجانب، نظر نویسنده این مقاله در واقع ظهور امپراطوری‌ها در گذشته و ادیان مختلف؛ چیرگی و نظم دهی به جهان بوده است اما به دلیل نبود مشکلات و امکانات امروزی جهانی شدن در سطح وسیع در این دوران اتفاق نیفتاده است.

از به کارگیری واژه جهانی شدن در محافل علمی زمان زیادی نمی‌گذرد اما ریشه‌های آن به سال‌های دور باز می‌گردد، حتی آغاز فرآیند جهانی شدن را می‌توان به زمانی نسبت داد که اولین داد و ستد بلکه در بین اقوام به وجود آمده است. وقتی کالایی در امر تجارت جابجا می‌شود این کالا نیست بلکه آداب و رسوم است که همراه این کالا جابجا می‌شود.

تاریخ جهانی شدن به هزاران سال پیش باز می‌گردد، تمدن‌ها از دیر باز با یکدیگر مبادلات فرهنگی، علمی اقتصادی داشته‌اند. جنگ‌ها کشور گشایی‌ها بخش دیگری از این تاریخ است. مجله اکونومیست در سال ۱۹۵۹ ترکیب سهمیه جهانی را در مورد واردات اتمبیل ایتالیا به کار برد (اختر، ۱۱: ۱۳۸۶).

واترز جهانی شدن را چنین تعریف می‌کند: جهانی شدن فرآیندی اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکننده از بین می‌رود و مردم به طور فرآیند از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند (همان: ۱۲).

۴-۲-۴- مک لوهان، از تمدن شفاهی تا تمدن الکترونیک

در این میان آنچه تفاوت دیدگاه‌های صاحب‌نظران را نشان می‌دهد مساله پروژه یا پروسه جهانی بودن است. برخی معتقدند جهانی شدن از یک پروژه، فراتر است بدین معنا که بشریت در دوره‌ای از تاریخ به آن رسیده است و این موضوع به نوعی غیر قابل اجتناب است. در مقابل برخی معتقدند جهانی شدن، یک پروژه است بدین معنا که افرادی با طراحی از پیش اندیشیده جهانی شدن را پدید آوردند و بیشتر از واژه جهانی سازی استفاده می‌کنند به عنوان مثال ماکویا، متعلق به دسته اول متفکران است که بر این باور است که بشریت حکومت مطلوب خود که همان لیبرال دموکراسی است می‌باشد در نتیجه همه ملل به این نوع حکومت گرایش یافته‌اند و ما به پایان تاریخ رسیده ایم.

لوهان تمدن را به سه دوره تقسیم می‌کند:

(۱) تمدن شفاهی

(۲) تمدن مکتوب که با اختراع ماشین چاپ می‌شود

(۳) تمدن الکترونیک که با اختراع رادیو توسط مارکسنی آغاز شد می‌شود

مک لوهان معتقد است جهان به سوی دهکده قدیم تمدن شفاهی با توجه به گسترش و فضای مجازی و ارتباط، چهره به چهره تحقق یافته است (همان: ۲۰).

روند تحولات در قرن بیستم در دهه ۱۹۷۰ وارد مرحله جدیدی شد و در اواسط دهه ۱۹۸۰ تقریباً در تمامی زمینه‌ها اثر خود را بر جای گذاشت و در دهه ۱۹۸۰ برای رجوع به این مفاهیمی چون جامعه فرا صنعتی و فرامدرن به کار رفته است اما در دهه ۱۹۹۰ میلادی مفهوم جهانی شدن رایج گردید و به مفهوم سلطه در دوران معاصر تبدیل شد (همان: ۲۰).

۴-۲-۵- کاستلز؛ جامعه شبکه‌ای، فشردگی زمان و درهم‌تنیدگی مکان

مانوئل کاستلز استاد برجسته برنامه ریزی دانشگاه برکلی آمریکا و نویسنده اثر معروف عصر اطلاعات که تحولات جهانی را در حوزه‌های اقتصاد، جامعه و فرهنگ بر اساس توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات تبیین می‌کند، ظهور جامعه شبکه‌ای را سرآغاز دگرگونی‌های همه‌جانبه در این عصر می‌نامد. او شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی را عنصر اصلی کنشگری‌های اجتماعی در اواخر سده بیستم می‌داند و به بررسی روابط این شبکه‌ها و تغییرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. منطق شبکه‌ای تغییرهای بسیاری در تولید، تجربه، قدرت و فرهنگ به وجود می‌آورد، قدرت جریان‌ها از جریان‌های قدرت پیشی می‌گیرد، غیبت یا حضور در «شبکه» منبع ناتوانی یا توانایی در جهان جدید است. هندسه معرفتی این دنیای نو بر فهم‌انگارهای متمرکز است که فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در کانون آن قرار دارند. اهمیت کنونی این فناوری‌ها شاید به همان اندازه‌ای باشد که منابع جدید انرژی در انقلاب‌های صنعتی گذشته از ماشین بخار تا الکتریسیته و سوخت‌های فسیلی و حتی انرژی هسته‌ای داشتند. اگر تولید و توزیع انرژی عامل اصلی و زیربنایی جامعه صنعتی بوده، تولید و توزیع اطلاعات عامل اصلی و زیربنایی جامعه اطلاعاتی است. مفهوم «پارادایم» که از سوی کوهن برای تحلیل انقلاب‌های علمی مطرح شده است، به دلیل تعامل مفهومی با محیط اجتماعی به فهم زمینه‌ها و آثار فناوری کنونی کمک می‌کند. پارادایم فناوری اطلاعات و ارتباطات شالوده‌مادی جامعه اطلاعاتی را تشکیل می‌دهد. اولین ویژگی پارادایم جدید این است که «اطلاعات» ماده خام آن است. ویژگی دوم، فراگیری تأثیرهای فناوری‌های جدید است. هیچ حوزه‌ای از دانش و معرفت و صفت و سنت را نمی‌توان برکنار از آثار دور و نزدیک این تحول یافت. ویژگی سوم به منطق شبکه‌ساز هر سیستم یا مجموعه روابطی اشاره دارد که فناوری جدید اطلاعات و ارتباطات را مورد استفاده قرار می‌دهند. چهارمین ویژگی بر انعطاف‌پذیری پارادایم فناوری اطلاعات و ارتباطات متکی است. در این پارادایم هم فرایندهای جدید تغییرپذیر هستند و هم سازمان‌ها و نهادهای قدیم را می‌توان با بازآرایی اصلاح کرد و تغییر داد. ویژگی پنجم این انقلاب فناوری، همگرایی فزاینده رهیافت‌ها و فناوری‌های خاص است که در درون یک سیستم نوین و منسجم قرار می‌گیرند. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۹۲)

اگر در جوهر آنچه کاستلز می‌گوید تأمل شود و همه ویژگی‌های عصر اطلاعات به یک خصوصیت فروکاهد، «کاهش فاصله‌ها» و تغییر مرزهای تمایز در همه عرصه‌ها برجسته می‌شود. انقلاب ارتباطات

به هر معنایی که باشد تغییردهنده فاصله هاست. پیدایش موج سوم «عصر دانایی» در برابر موج اول «قدرت مبتنی بر زور» و موج دوم «قدرت مبتنی بر سرمایه» آنچنان که صاحب نظرانی چون الوین تافلر از آن نام می‌برند، یا ظهور «جامعه شبکه‌ای» چنان که متفکرانی نظیر کاستلز بر آن تکیه دارند، با مفهوم «عصر کاهش فاصله» که کارن کراس در این کتاب به آن پرداخته است، مشترکات و همخوانی‌های زیادی دارد. جهان در حال ورود به تاریخ و جغرافیایی متفاوت است. همه جلوه‌های فرهنگی از بدترین تا بهترین در جهانی دیجیتال گرد آمده‌اند و محیط نمادین جدیدی به وجود آورده‌اند که در آن «دنیای مجازی» واقعیت آشکار زندگی کنونی است. شناخت عناصر ارتباطی که موجب تشکیل این جهان زیست‌فشرده و درهم‌تنیده فرهنگی شده‌اند، اهمیت ویژه‌ای دارد. سیستم جدید همه جلوه‌های فرهنگی را در جامعه دربرمی‌گیرد و در واقع، چند رسانه‌ای یا چندپیشگی نظام ارتباطی آن می‌تواند همه صورت‌بندی‌های بیانی و همه ارزش‌ها، تخیل‌ها و منافع متنوع را دربرگیرد. به گفته کاستلز «ویژگی سیستم جدید القای واقعیت مجازی نیست، ایجاد مجاز واقعی است» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۳۱).

۴-۵-۶- سیر تحولی جهانی شدن از دید محقق

به نظر اینجانب جهانی شدن از ابتدا تاکنون چند سیر تحولی را به شرح زیر گذرانده است:

- ۱) جهانی شدن ابتدایی و آغازین که از همان آغاز ظهور بشریت با معانی چون ارتباط چهره به چهره شروع به فعالیت کرد.
 - ۲) جهانی شدن امپراطوری و ادیان که امپراطوری‌ها و ادیان الهی سعی در تسلط بر جهان داشته‌اند و جنگ‌های آن زمان نتیجه همین جهانی شدن بوده است.
 - ۳) جهانی شدن اقتصادی: پس از جنگ جهانی دوم و ظهور شرکت‌های فراملیتی و ارتباطات اقتصادی خارج از دولت - ملت این پروسه وارد عرصه شده است.
 - ۴) جهانی شدن نظام‌های بین‌المللی و ظهور سازمان‌های بین‌المللی
 - ۵) جهانی شدن ارتباطات، ظهور اینترنت و سایر ملزومات ارتباطی موجب جهانی شدن گسترده امروز شده است.
 - ۶) جهانی شدن مجازی، ظهور تلگرام و سایر شبکه‌های ارتباطی موجب نوعی جهانی شدن و سیر در فضای مجازی امروز شده است.
- و این امر جهانی شدن ادامه پیدا خواهد کرد، ظهور تکنولوژی‌های جدید و روز به روز شاهد کوچکتر شدن جهان از دید جهانی شدن و دهکده‌ای‌تر شدن جهان خواهیم بود. اما تاثیر مثبت یا منفی این امر در حوصله این مقاله نیست که نیاز است در مرحله بعدی به این امر جهان‌فضایی مورد بررسی قرار گیرد.

برخی از افراد نیز فرایند جهانی شدن را حول محور های زیر می دانند:

الف: آزاد سازی تجاری، مالی و سرمایه گذاری

مهم ترین ویژگی های جهانی شدن اقتصادی، برداشتن موانع ملی امور اقتصادی، گسترش بین المللی فعالیت های تجاری، مالی، تولیدی و رشد فرایند قدرت شرکت های فراملیتی و نهاد های ملی بین المللی در این فرایند هاست.

فروپاشی نظام ((برتون وودز)) در سال های ۷۳-۱۹۷۲ منجر به افزایش تجارت بین المللی در مبادلات خارجی شده است که این فرایند به نوبه خود نرخ ها و سطوح خاصی را افزایش داده است و میزان تجارت و بازارهای معاملات خارجی جهان از متوسط روزانه ۱۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۳ به بیش از ۹۰۰ میلیارد دلار در ۱۹۹۲ و امروز بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد دلار افزایش داده شده است.

آزاد سازی تجاری به تدریج افزایش یافته ، تاثیر آن به اندازه آزاد سازی مالی نبوده است و آزاد سازی مالی تاثیر زیادی در جهانی شدن داشته است

در بخش آزاد سازی سرمایه گذاری مستقیم خارجی نیز رشد خوبی حاصل شده است و موجب بروز شرکت های چند ملیتی، فراملیت ، موسسات و شرکت های بین المللی شده است که از آن به عنوان فرامیبتی شدن نام برده می شود که این شرکت ها بخش عظیمی از منابع اقتصادی جهان، سهام بازار و تولید را به خود اختصاص میدهند (خور: ۱۱-۷).

ب) جهانی شدن و تصمیم گیری

شاید بتوان گفت که مهم ترین و عمده ترین مشخصه فرایند جهانی شدن عبارت است از جهانی شدن سیاست های ملی و ساز و کارهای تصمیم گیری می باشد. امروزه بیشتر کشورهای در حال توسعه شاهد کاهش توانایی اثر گذاری و تصمیم گیری مستقل شان بوده و مجبور شده اند که سیاست های خود را حتی با وجود تعارض تضاد منافع با دیگر واحد های مورد نظر منطبق سازند، در عوض کشورهای توسعه یافته به تعیین خط و مشی ها و عملکرد های نهادی ، اقتصادی بین المللی و نظام جهانی پردازند (همان : ۱۴-۱۳)

نهاد های ((برتون وودز)) (بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی) در بیشتر کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال گذار به علت وابستگی به وام های این نهاد ها از اقتدار بالایی برخوردارند به ویژه کشور هایی که خواستار وام از این نهاد ها هستند بایستی برنامه های تعدیل ساختاری مورد نظر آن ها خصوصا برنامه های نهادهای واشینگتن را اجرا نمایند (همان: ۱۲-۱۱)

به نظر اینجانب نهاد های بین المللی و دولت های توسعه یافته هر چه بیشتر دنبال جهانی شدن می روند تا از این فرصت جهانی شدن به سود خود استفاده کنند و دولت های در حال توسعه علی رغم میل باطنی در این مسیر مجبورند طی طریق نمایند و به نوعی خود را با جهانی شدن سازگار نمایند.

برخی دیگر از صاحب نظران جهانی شدن و تکوین آن را به شکل امروزی به صورت های (۱) جهانی شدن و سه جانبه گرایی (۲) جهانی شدن و دولت-ملت (۳) جهانی شدن و نابرابری (۴) جهانی شدن و دموکراسی می دانند.

(۱) جهانی شدن و سه جانبه گرایی

سه جانبه گرایی یکی از ابعاد نوین جهانی شدن است. بر اثر روند همگرایی ساختاری که اینک بین سه منطقه اصلی آمریکایی شمالی، اروپای غربی، ژاپن و شرق آسیا در جریان است بخش عمده بازارهای اقتصادی توسعه یافته جهان و همچنین بیشترین سرمایه گذاری مستقیم خارجی در اختیار آن ها قرار دارد و بیشترین حجم مبادلات تجاری و سرمایه گذاری آن ها در میان خودشان صورت می گیرد و این روند تا فرو پاشی شوروی ادامه داشته است و جهانی شدن بیشتر حول این چند قطب می چرخید (همان، ۱۵۵-۱۵۴).

(۲) جهانی شدن و دولت - ملت

جهانی شدن و گسترش شرکت های چند ملیتی موجب شده دولت ها در فرایند تصمیم گیری تابع این شرکت های چند ملیتی شده و موجب تکوین جهانی شدن شده است هر چند لیبرال ها به دید مثبت از آن نگاه می کنند و واقع گرایان از قدرت کشور های توسعه یافته در این فرایند نگاه می کنند و ساختار گرایان دیدی ساختار گرایانه و ساختار نظام بین الملل را در این خصوص ارایه می کنند (همان: ۱۵۸-۱۵۶).

(۳) جهانی شدن و نابرابری

واقع گرایان و ساختار گرایان معتقدند که در بلند مدت با دو اردوگاه برندگان و بازندگان جهانی مواجه خواهیم شد و معتقدند این روند به نفع قدرتمندترین کشورهای سرمایه داری و بازیگران غیر دولتی همچون کشورهای چند ملیتی که در مرکز قرار دارند تمام خواهد شد و هزینه اصلی آن بر عهده کشور های حاشیه ای گروه های اجتماعی خواهد شد و در نهایت این روند منجر به نابرابری شده است (قهرمانپور، ۱۳۸۱: ۱۴۳).

(۴) جهانی شدن و دموکراسی

این دیدگاه بیشتر بر اساس نظریه لیبرال ها که معتقد اند این روند جهانی شدن ادامه پیدا کرد می باشد تا به گسترش حکومت های دموکراتیک با ثبات در سراسر جهان شده است هر چند عده ای از آن با دید تردید نگاه می کنند اما عقیده دارند که رشد بروکراتیک دولت ها تا حدودی نتیجه جهانی شدن است.

۵) جهانی شدن و مهاجرت

جهانی شدن موجب شده عده ای از این روند استقبال نموده و عده ای از پدیده مهاجرت که می تواند باعث ایجاد واکنش تدافعی اجتماعی در برخی موضوعات گردد مانع آن می شوند (میر محمدی، ۱۳۸۱: ۷۳).

آنچه در امر جهانی شدن رخ داده و تکوین آن به وجود آمده این است که هر چند کشور های اروپایی این روند را تسهیل کرده اند اما برخی دولت ها همچنان مخالف با این روند هستند و به نوعی با آن هم مقابله می کنند اما در تکوین جهانی شدن این احتمال وجود دارد که در آینده ای نه چندان دور این روند مهاجرت تسهیل گردد.

۵- نتیجه گیری

با توجه به نظریه ها و رویکردها می توان بیان داشت که پدیده جهانی شده به صورت فرایندی متشکل از فرصت ها و تهدیدها برای انسان امروز مطرح است و اینکه سیر جهانی شدن به کدام سمت است خود مقوله ای است که بخش اعظمی از ادبیات معاصر و اندیشه های اندیشمندان در سطح جهان را به خود معطوف داشته است و به رغم تاثیرات اقتصادی و سیاسی اهمیت می یابد. جهانی شدن همزمان با ظهور بشریت سیر تحولی خود را آغاز کرده است و تا به امروز نیز ادامه دارد و این روند به احتمال زیاد ادامه خواهد داشت و نه تنها بر زندگی محلی تاثیر گذار است بلکه برای درک و اهمیت آن باید وجوه مختلف جهانی شدن مثل «همجواری» توجه کرد که باعث می شود رویدادها و حوادث دوردست در تجربه های محلی، نفوذ کنند و آن ها را دگرگون سازند و به صورت کلی می توان گفت که سیر جهانی شدن به سمت به وجود آمدن هویتی جهانی و محلی است که همه بشر خود را از یک دهکده و شهروندی جهانی بدانند.

منابع

- اختر، مهدی، (۱۳۸۶)، جهانی شدن، تهران، ناشر مولف.
- اسماعیلی، غلامرضا، (۱۳۸۴)، جهانی شدن اقتصاد، ماهنامه تدبیر، چاپ شانزدهم، شماره ۱۵۵.
- بروجردی، مهرداد، (۱۳۷۹)، فرهنگ و هویت ایرانی در فراسوی مرز، فصل نامه مطالعات ملی، شماره پنج، سال دوم.
- تائب، سعید، (۱۳۷۹)، جهانی شدن و شرکت های چند ملیتی، فصلنامه سیاست خارجی ویژه جهانی شدن، تهران.
- تقوی، مهری، (۱۳۸۰)، ایران در آستانه هزاره سوم میلادی، فصلنامه پژوهش های اقتصادی.
- توسلی، غلامعباس، (۱۳۸۱)، جهانی شدن و تاثیر آن در ایران، باور، دوره جدید، شماره ۱۱.
- تهرانیان، مجید، (۱۳۸۰)، جهانی شدن، چالش ها و ناامنی ها، به اهتمام اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خور، مارتین، جهانی شدن و جنوب، ترجمه احمد ساعی، تهران، نشر قومس.
- رابرتسون، رونالد، (۱۳۸۰)، جهانی شدن با تئوری های اجتماعی فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی،
- سریع القلم، محمود، (۱۳۹۱)، ایران و جهانی شدن، چالش ها و راه حل ها، چاپ سوم، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- قهرمانپور، رحمان، (۱۳۸۱)، جهانی شدن و توسعه پایدار در کشور های در حال توسعه، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، شماره ۳، ص ۱۴۳.
- مجتهد زاده، پیروز، (۱۳۷۹)، هویت ملی در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵.
- نوزانی، بهرام، جهانی شدن و پیامد های آن برای ایران، تهران، نشر نگارش علوم.
- مردانی گیوی، اسماعیل، (۱۳۷۹)، باز اندیشی در مفهوم حاکمیت تاثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت ها، ترجمه مارک ویلیامز، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال چهاردهم، شماره های ۱۵۶ و ۱۵۵، ۱۳۷-۱۳۶.
- معصوم زاده کیایی، میر احمد، (۱۳۷۹)، حاکمیت دولت ها در عصر شرکت های چند ملیتی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال چهاردهم شماره های ۱۵۱ و ۱۲۱، ۱۵۵-۱۱۹.
- میر محمدی، داود، (۱۳۸۱)، جهانی شدن با ابعاد و رویکرد ها، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۱، ص ۷۳.
- واترز، مالکوم، (۱۳۷۹)، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران، انتشارات سازمان مدیریت دولتی.

- هرودت، (۱۳۶۸)، تواریخ، ترجمه وحید مازندرانی، چاپ دوم، تهران، دنیای کتاب.
- سالارمنش، عطیه، ۱۳۸۶، تاریخچه جهانی شدن، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۲۹۳، شماره خبر ۶۶۵۰۳۹.
- ساسن، ساسکیا، جامعه شناسی جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، نثر چشمه، ۱۳۸۹.
- کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه ای، جلد اول، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، ویراسته علی پایا، طرح نو، ۱۳۸۰.
- درودی، فریبرز، ۱۳۸۸، جهانی شدن، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، صص ۶۴-۷۱.
- فرهادی محلی، علی، ۱۳۹۰، بررسی تحلیلی پدیده جهانی شدن با تمرکز بر حوزه فرهنگ، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، مقاله ۴، دوره ۲، شماره ۵، صص ۹۶-۶۳.
- خانیکی، هادی، ۱۳۹۲، جهانی شدن و ارتباطات، زمینه ها و چشم اندازهای نظری، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال چهارم، شماره ۱۰، پیاپی ۱۳، صص ۷-۳۳.
- گلمحمدی، احمد، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، نشر نی، ۱۳۸۱.
- مصطفوی، شمس الملوک، «مبانی فلسفی جهانی شدن»، رساله دکتری فلسفه، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۲.
- میرمحمدی، داود، ۱۳۸۱، جهانی شدن، ابعاد و رویکردها، مطالعات ملی، شماره ۳، پیاپی ۱۱
- Lechner, Frank. J. (2008) Globalization Theories. World Culture Theory. Available: <http://www.sociology.emory.edu/globalization/theories03.html> [accessed; 10, Jun., 2009]
- Robertson, Roland (1992) Globalization: Social Theory and Global Culture. London: Sage.